

همگرایی در آذربایجان

* عطاءالله عبدی

E-mail: Ataabdi@tmu.ac.ir

** مجتبی مقصودی

E-mail: m.maghsoudi@iactb.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۰/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۲/۳۰

چکیده

شناسائی بسترها و عوامل همگرایی و چالش‌های پیش‌روی آن یکی از ضرورت‌های مهم امر سیاستگذاری درباره همبستگی ملی در هر کشوری است. در این خصوص با توجه به این‌که ایران به عنوان کشوری که دارای تنوع ناحیه‌ای و فرهنگی در درون خود می‌باشد و این امر هر از چندگاهی به عنوان ابزار ژئوپلیتیک در دست بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای درآمده و برخی از نخبگان نیز در عرصه‌های مختلف رقابت به‌ویژه رقابت‌های سیاسی از آن سود می‌جویند. از جمله مناطق مهم ایران که تحت تأثیر تحولات تاریخی، دارای برخی تفاوت‌های فرهنگی در حوزه زبان با ملت ایران شده است، منطقه آذربایجان است. با توجه به وزن ژئوپلیتیک بالای آذربایجان در ایران همگرایی آن از اهمیت بالایی برخوردار است. با توجه به چنین امری است که این پژوهش با هدف بررسی عوامل همگرایی و واگرایی در آذربایجان آغاز شد. روش تحقیق در این مقاله از نوع پیمایشی و ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه‌ای است. برای این منظور پرسشنامه‌ای در میان افراد صاحب‌نظر درباره آذربایجان پخش شد. داده‌های مورد نظر با استفاده از آزمون ناپارامتری مورد ارزیابی قرار گرفت؛ نتایج آزمون گویای تأیید فرضیات تحقیق بود. به عبارت دیگر نتایج نشان داد، همگرایی ملی در آذربایجان امری ذاتی و کهن بوده که ریشه در پیوندهای متعدد این منطقه در ابعاد مختلف مذهبی، تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و موارد دیگر با ایران دارد، اما واگرایی امری عارضی است که در قالب نظریه‌های مدرن و حوزه ژئوپلیتیک اقوام قابل تحلیل است.

کلید واژه‌ها: آذربایجان، همگرایی، واگرایی، هویت، وحدت ملی.

* استادیار جغرافیای سیاسی دانشکده علوم جغرافیایی دانشگاه خوارزمی تهران، نویسنده مسئول

** دانشیار علوم سیاسی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز

۱. مقدمه

امروزه کمتر کشور یا جامعه‌ای را می‌توان یافت که دارای همگونی باشد. اگرچه نفس وجود تنوع امری مطلوب و موجب تحرک و پویایی و بالندگی فرهنگی است؛ اما در صورت عدم مدیریت صحیح و دخالت بیگانگان، احتمال بروز و فعال شدن گسل‌ها و شکاف‌های قومی و مذهبی به مراتب بیشتر از جوامع همگن می‌باشد. بروز تقابل‌ها موجب آسیب‌پذیری انسجام و همگرایی ملی از یکسو و تشدید مرکزگرایی از سوی دیگر خواهد شد.

ایران از آن جهت که از منظر وجود برخی شاخصه‌های فرهنگی کشوری متنوع محسوب می‌شود و از سوی دیگر به دلیل داشتن موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی از موقعیت و وضعیت خاصی برخوردار است. از این رو، مسأله وحدت و وفاق اجتماعی و همگرایی ملی میان اقوام، مذاهب و خرده‌فرهنگ‌های آن واجد اهمیت ویژه است.

آذربایجان و آذری‌ها در تاریخ ایران به‌ویژه از دوره صفویه دارای ویژگی همگرایی بالا با کشور ایران در ابعاد مختلف آن بوده است. این امر به معنی آن نیست که نیروهای واگرا در آذربایجان حضور نداشته‌اند. نیروهای واگرا در آذربایجان که عمدتاً امری برون‌پایه بوده‌اند جدی‌ترین بخش فعالیت خود را در دوران بعد از جنگ جهانی دوم با کمک نظامی و سیاسی شوروی (۱۳۲۰-۱۳۲۵) و نخبگان چپ‌گرا شروع کردند. نیروهای واگرا در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی با توجه به این‌که نتوانستند در آن مقطع فعالیت خاصی داشته باشند به برنامه‌ریزی هدفمندی با محوریت کارهای فرهنگی دست زدند. امروزه این اقدامات با راهبردهای مشخصی تلاش دارد در میان بخش‌های مختلف جامعه آذری نفوذ یافته و جریان گریز از مرکز ایجاد نماید.

منطقه آذربایجان با توجه به شرایط جغرافیایی، تاریخی و ژئوپلیتیک خود شاهد پیوندهای عمیق هویتی در قالب عناصر مذهبی، فرهنگی و اجتماعی با دیگر بخش‌های کشور است. اما طی چند دهه اخیر برخی از گروه‌های خاص در پی طرح مسائلی هستند که پیامد آن برجسته‌سازی واگرایی می‌تواند باشد. این گروه‌ها که به صورت مشخص از دوران اشغال ایران از سوی نیروهای شوروی پیشین از شهریور ۱۳۲۴ به بعد مطرح شده‌اند آنان با طرح برخی مسائل القائی در صدد قرائت‌های وارونه از تاریخ و تحولات کشور هستند؛ این فعالیت‌ها در سال‌های اخیر از نظر کمی و کیفی بیشتر شده است. در این راستا پرسش‌هایی نیز مطرح هستند که در زیر به آنها اشاره می‌شود:

۱. مهم‌ترین عوامل همگرایی در آذربایجان را چگونه می‌توان صورت‌بندی کرد؟
۲. مهم‌ترین عوامل واگرایی در آذربایجان را چگونه می‌توان صورت‌بندی کرد؟

۲. روش تحقیق

مقاله حاضر از نوع پیمایشی و ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش از میان متخصصان و صاحب‌نظران مربوط به آذربایجان و در حدود ۳۰ نفر انتخاب شده‌اند. (۱) در تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌ها از آزمون‌های ناپارامتری رتبه - علامت ویلکاکسون SRW استفاده شده است.

محک تصمیم‌گیری در آزمون SRW براساس مقدار P-Value می‌باشد. در این تحلیل فرض صفر (H0) بیان‌کننده آن است که میانه (Md) برابر یا کمتر از عدد ۳ می‌باشد و فرض مقابل (H1) گویای میانه (Md) بزرگتر از ۳ است. اگر مقدار P-value کمتر از مقدار 0/05 (همان آلفا) باشد، فرض صفر رد شده و نتیجه می‌شود که پاسخگویان به گزینه‌های موافق یا کاملاً موافق متمایل بوده‌اند یعنی تأثیر متغیر مورد نظر در ایجاد همگرایی یا واگرایی در آذربایجان را تأیید نموده‌اند، اما اگر مقدار P-value از 0/05 بزرگتر یا مساوی باشد، فرض صفر پذیرفته شده و نتیجه می‌شود که پاسخگویان گزینه‌های بی‌نظر، مخالف و کاملاً مخالف را تأیید نموده‌اند.

فرضیات:

با توجه به پرسش‌های تحقیق فرضیات این مقاله به صورت زیر ارائه می‌شود.

۱. عوامل همگرایی در آذربایجان عناصری هستند که ریشه در اشتراکات مذهبی، تاریخی و فرهنگی دیرین این منطقه با ایران دارند که باید به وسیله کارکرد دولت، تقویت شوند.

۲. هم‌چنین عوامل واگرایی در آذربایجان ریشه در تحولات و مفاهیم دوران معاصر و موقعیت ژئوپولیتیکی این منطقه دارند و امری عارضی هستند.

۳. ادبیات و چارچوب نظری تحقیق

۳-۱. پیشینه تحقیق

مباحث قومی در آذربایجان با رویکردهای مختلف و از منظر حوزه‌های مختلف علمی مورد بررسی قرار گرفته است، در زیر به برخی از این موارد اشاره می‌شود.

علی مرشدی‌زاد در کتاب «روشنفکران آذری و هویت ملی و قومی» (۱۳۸۰) به بررسی مقوله هویت ملی و قومی در میان طیف‌های مختلف نخبگان آذری پرداخته است. وی در این کتاب به صورت مستند دیدگاه نخبگان را به استناد به آثار و موضع‌گیری‌های آنها درباره این دو سطح هویتی بیان نموده است. این کتاب در نوع

خود با آوردن آراء طیفی نسبتاً گسترده از نخبگان آذری، اثری ارزشمند به شمار می‌آید، اما آنچه که در این مقاله به آن پرداخته و سعی شده است که صورت‌بندی مشخصی از عوامل همگرایی و واگرایی را ارائه نماید در کتاب یاد شده دیده نمی‌شود، البته باید توجه داشت که هدف این کتاب هم چنین امری نبوده است.

عبدی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی نسبت میان احساس محلی‌گرایی و ملی‌گرایی، نمونه موردی تبریز» به بررسی موضوع نسبت میان هویت ملی و هویت محلی پرداخته است. نتایج این تحقیق که در سال ۱۳۸۱ صورت گرفته است نشان می‌دهد که احساس تعلق به هویت ملی در شهر تبریز به مراتب بالاتر از هویت محلی است و در عین حال هویت محلی تعارضی با هویت ملی نداشت. این تحقیق اولاً تحقیقی توصیفی بوده و به بررسی متغیرها و عواملی که منجر به هر یک از دو وضعیت هویت محلی و ملی می‌شوند پرداخته و در عین حال از نظر زمانی نیز داده‌های آن برای شرایط امروز قابل اتکاء نیست.

- در مقاله‌ای با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی میزان رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان آذری زبان شهر ارومیه» مقوله همگرایی و واگرایی در این شهر مورد توجه قرار گرفته است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که میان گرایش به هویت ملی و هویت قومی تضادی وجود ندارد (۲) (مهرمند و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۹).

با توجه به حجم بالای کارهای صورت گرفته در این حوزه امکان ذکر همه آنها در این جا وجود ندارد ولی با بررسی اجمالی کارهای صورت گرفته می‌توان گفت مهم‌ترین ویژگی و مزیت مقاله حاضر این است که در آن از تقلیل‌گرایی‌های مرسوم در این طیف از پژوهش‌ها پرهیز شده است. از این رو علاوه بر رویکردها و تئوری‌های مرتبط با جامعه‌شناسی و علوم سیاسی از ظرفیت‌های جغرافیای سیاسی به‌ویژه ژئوپلیتیکی نیز در طراحی چارچوب نظری مقاله استفاده شده است.

۲-۳. واگرایی: مفهوم و ابعاد

واگرایی عبارت از احساس جدایی بالقوه و بالفعل اقوام با تمام یا بخشی از عناصر تشکیل دهنده کشور است؛ به طوری که به جای احساس تعلق به ملت، سرزمین و حکومت، با عناصری مانند زبان قومی، سرزمین قومی، و کشورها و مناطق همسایه احساس همگرایی نمایند (عبدی، ۱۳۸۹: ۴۳).

ویژگی عمده دیدگاه‌های مختلف درباره واگرایی، دشواربودن دستیابی به یک الگوی

نظری فراگیر در این سرزمین هاست (اسمن، ۲۰۰۴: ۱۹)؛ از این رو نمی‌توان با نگاهی تقلیل‌گرایانه به بررسی آن پرداخت. بر این اساس، در پژوهش حاضر، ریشه‌های واگرایی در دو دسته عوامل درونی و محیطی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۲-۱. عوامل درونی سازوکارهای واگرایی: یکی از مهم‌ترین نظریه‌ها دربارهٔ پیدایش جنبش‌های قومی، دیدگاه ابزارگرایان است. بر پایهٔ این نگرش نخبگان برای کسب پشتیبانی از موقعیت خود، به ستیزه‌های قومی دامن می‌زنند و تقاضاهای قومی را قبل از آن‌که مردم از آن آگاهی داشته باشند، طرح می‌کنند و تحت قاعده درمی‌آورند (مقصودی، ۱۳۸۰: ۲۱۷). نخبگان از عامل فرهنگ برای بسیج گروه قومی استفاده می‌کنند؛ بنابراین نظریهٔ «ابداع سنت» هابسباوم می‌تواند مکمل این نظریه باشد. از نظر هابسباوم، ملت‌ها سنت‌های ابداعی، نوآوری‌های تاریخی جدید و حاصل مهندسی اجتماعی نخبگان می‌باشند (هاچینسون و اسمیت، ۱۳۸۶: ۱۲۶). بر پایه این ایده، نخبگان برای پدید آوردن ملت‌ها به آموزش و پرورش ابتدایی، ترویج زبان معیار، ابداع مراسم عمومی و تولید انبوه بناهای یادبود می‌پردازند (اوزکریملی، ۱۳۸۳: ۱۴۴). یکی دیگر از ابزارهای نخبگان برای ایجاد بسیج قومی، پرورش دادن احساس محرومیت نسبی است. بر پایهٔ این نظریه، جنبش‌های قومی، پاسخ محض به محرومیت نسبی گسترده و شدیدی قلمداد می‌گردد که توده‌ها و نخبگان حاشیه‌نشین را با هم شامل می‌شود؛ از این رو مشارکت گسترده و سازماندهی آگاهانه در جهت ایجاد خشونت فراهم می‌گردد (کورز و روزنبرگ، ۱۳۷۸: ۶۲۱). نخبگان قومی از این عامل برای بسیج توده‌ها به میزان زیادی سود می‌جویند.

برخی صاحب‌نظران، دیگر عامل مؤثر در پیدایش قوم‌گرایی را گزینش عقلانی می‌دانند. براساس این نظریه افراد با محاسبهٔ سود و زیان، وارد جنبش ناسیونالیستی می‌شوند (اسمیت، ۱۳۸۳: ۹۸). آنها بر این باورند که جنبش قومی هنگامی شکل می‌گیرد که تعداد کافی از اعضای گروه برای مشارکت در آن توافق کنند؛ حسابگران و آینده‌نگران تنها هنگامی تن به این کار می‌دهند که منافع مطلوب‌شان بیش از زیان‌های احتمالی باشد (احمدی، ۱۳۷۹: ۱۵۸).

بندیک اندرسون در تحلیل شکل‌گیری قوم‌گرایی بر عامل پیدایش «جامعهٔ تصویری» تأکید می‌کند. به دیگر سخن تودهٔ مردم ادبیات و آثار چاپی محلی‌ای را می‌خوانند که به لحاظ جامعه‌شناختی، اجتماع سیاسی تصویری را به شیوه‌هایی مشخص و قابل تمییز برایشان به تصویر می‌کشد (اسمیت، ۱۳۸۳: ۱۱۰). با وجود تأکید این نظریه بر صنعت

چاپ، امروزه نقش رسانه‌هایی مانند اینترنت و ماهواره در این زمینه، پررنگ‌تر شده است. موارد گفته شده در بالا تبیین‌کننده سازوکار پیدایش و تداوم واگرایی است؛ ولی برای تبیین جامع آن، باید به بسترهای محیطی آن نیز توجه شود.

۳-۲-۲. عوامل محیطی واگرایی

الف) محیط بین‌الملل (قبیله‌گرایی نوین): در پی تحولات صورت گرفته، از دهه‌های پایانی سده بیستم، ماهیت مسائل قومی متفاوت با عصر مدرن شده است. در عصر جهانی شدن و پسانوگرا، هویت‌های قومی در کنار هویت‌های دیگر رشد می‌کنند (اسمن، ۲۰۰۴: ۱۹۷). در این دوره، شکل‌گیری شبکه‌هایی مانند تلویزیون‌های فراملی، آموزش رایانه‌ای، اینترنت و ارتباط‌های ماهواره‌ای (فالکس، ۱۳۸۱: ۱۶۸) به نخبگان قومی امکان داده است که در ورای نظارت حکومتی فعالیت کنند (هاچینسون و اسمیت، ۱۳۸۶: ۴۲۸). از دیگر ویژگی‌های این دوران می‌توان به مداخله‌های خارجی در نزاع‌های قومی اشاره نمود که در قالب تلاش قدرت‌های بزرگ، نهادهای بین‌المللی و سازمان‌های غیردولتی صورت می‌گیرد (اسمن، ۲۰۰۴: ۱۱۱).

ب) ژئوپلیتیک و واگرایی: اگر گروه‌های قومی در سرزمین خاصی متمرکز شوند بیم آن می‌رود که به فکر تشکیل دولتی متعلق به خود افتند و یا سودای پیوستن به یکی از دولت‌های همسایه را در سر بپرورانند (والزر، ۱۳۸۳: ۳۷). این ویژگی، پایه ژئوپلیتیک تحلیل واگرایی و همگرایی قومی را فراهم می‌آورد. پیتر هاگت این مسئله را در قالب یک الگوی سیاسی - جغرافیایی تشریح نموده است (هاگت، ۱۳۷۶: ۳۷۶ و ۳۷۷). در این حوزه، انضمام‌گرایی نیز عاملی است که بخش زیادی از توان خود را از شیوه جایگیری اقوام می‌گیرد. انضمام‌گرایی^۱ در مفهوم سیاسی جدید آن به معنی هرگونه ادعای سرزمینی از سوی یک کشور نسبت به سرزمین‌های دولت دیگر است (هاچینسون و اسمیت، ۱۳۸۶: ۳۹۲ و ۳۹۳).

۳-۳. همگرایی: مفهوم و رویکردها

همگرایی به معنی احساس تعلق و همبستگی اجزای ملت با تمام عناصر تشکیل دهنده کشور اعم از سرزمین، نظام سیاسی و ملت است؛ یعنی افراد به وجود آورنده ملت، فرصت‌ها و تهدیدها برای کشور را فرصت و تهدیدی برای خود می‌دانند و حاضر به

دفاع از ارزش‌ها و منافع ملی در تمام ابعاد آن هستند. حکومت‌ها در این زمینه بر پایه دو رویکرد عمل می‌کنند، عوامل معنوی و عوامل مادی (مجته‌زاده، ۱۳۷۹: ۵۵ و ۵۶). بر پایه رویکرد معنوی، گاتمن به اهمیت نمادهایی همچون تاریخ، افسانه‌ها، ادبیات و عادات‌های اجتماعی در ساخت و تخریب دولت‌ها اشاره می‌کند (مویر، ۱۳۷۹: ۲۹). در رویکرد مادی، هارتشون به نابرابری‌های فضایی از نظر معیار زندگی، سطح سواد، آموزش و پرورش، طرز تلقی اقتصادی، طرز تلقی نهادها، طرز تلقی تفاوت‌های نژادی و طبقاتی و به‌ویژه فلسفه سیاسی توجه دارد (گلستر، ۲۰۰۴: ۵۶). با توجه به این موارد عناصر و عوامل مؤثر در همگرایی ملی را می‌توان بدین شرح بیان نمود.

۳-۳-۱. تقویت هویت ملی

کارکرد این عامل آن است که مردم باور کنند کشورشان وجود دارد، زیرا خود یا اجدادشان آگاهانه و از روی میل آن را بنیان نهاده و در برابر دشمنان از آن دفاع کرده‌اند (تری‌جردن، ۱۳۸۰: ۱۷۴). در این میان دولت با در اختیار داشتن رسانه‌ها، نهادهای فرهنگی و به‌ویژه آموزش رسمی می‌تواند در آگاهی بخشی و ترویج هویت مشترک، سهم عمده‌ای داشته باشد (بلاک‌سل، ۲۰۰۶: ۶۰).

۳-۳-۲. حقوق شهروندی

شهروندی به معنی باهم زیستن و مشارکت در یک فضای مشترک است (دلکامپانی، ۱۳۸۲: ۳۰۱). شهروندی با طرح این اندیشه که باید با همه افراد به‌طور برابر رفتار شود، می‌تواند ریشه تنش‌های اجتماعی را بخشکاند (فالكس، ۱۳۸۱: ۱۴). در پاسخ به این سؤال که حقوق شهروندی درباره چه کسانی اعمال می‌شود، دو رویکرد وجود دارد. گروهی معتقد به رعایت حقوق شهروندی در سطح گروه‌ها هستند و گروه دیگر بر فردی بودن حقوق شهروندی تأکید می‌کنند (عبدی، ۱۳۸۹: ۱۳۴).

۳-۳-۳. عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی به معنی برخورداری همه افراد از فرصت‌های برابر در زندگی اجتماعی است. اصل فرصت‌های برابر اقتضا می‌کند که دستیابی به مناصب و مشاغل امتیاز آفرین اقتصادی و اجتماعی برای همگان میسر باشد (تلیس، ۱۳۸۵: ۱۰۸). جوامع فردگرا در این رابطه بر افراد، و جامعه‌گراها بر گروه‌ها تأکید دارند.

۳-۳-۴. تعامل اجتماعی

تعامل اجتماعی عبارت از ارتباط مستقیم و غیرمستقیم افراد جامعه و رای خاستگاه

قومی و مذهبی‌شان است. این ارتباط موجب مبادلات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در میان آنها می‌گردد و به شکل‌گیری هویت مشترک در میان‌شان منجر می‌شود. نتیجه این امر، کاهش وابستگی‌های قومی و افزایش همبستگی ملی است (کمیلیکا، ۱۹۹۵: ۴۷).

۳-۳-۵. مدیریت سیاسی سرزمینی

مدیریت سیاسی سرزمینی را می‌توان اداره سیاسی سرزمین با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی و نظام سیاسی حاکم بر آن دانست.

۴. محیط‌شناسی تحقیق

۴-۱. وجه تسمیه آذربایجان

در مورد پیدایش نام آذربایجان نظرات متفاوتی وجود دارد. بنا بر اعتقاد مشهور، آذربایجان در ابتدا آتروپاتگان بوده که از نام آتروپات گرفته شده است. بارتولد خاورشناس بزرگ روس نام آذربایجان را برگرفته از نام آتروپات، ساتراپ سراسر ماد می‌داند که بعد از حمله اسکندر همچنان بخشی از آن سرزمین را در اختیار داشته است (رضا، ۱۳۸۰: ۸۰). جز این اعتقاد مشهور، عده‌ای هم نام آذربایجان را به نحوی به زبان ترکی ربط می‌دهند. به طوری که محمدحسین خلف تبریزی صاحب برهان قاطع، آذربایجان را چنین معرفی می‌کند: «آذر» در ترکی به معنی بلند است و «بایگان» به معنی بزرگان و محتشمان می‌باشد (خلف، ۱۳۶۱: ۲۴). از نظر پروفیسور اقرار علی‌اف دلایل مؤلفانی که کوشش می‌کنند تا ریشه نام آذربایجان را ترکی بدانند هیچ‌گونه پایه علمی ندارد (علی‌اف، ۱۳۷۸: ۶۱). وی اعتقاد دارد که شکل‌های اولیه نام آذربایجان در زبان‌های گوناگون (مانند فارسی میانه Atwrptkn، پهلوی کتابی twrptkn: آسوری Adorbigan، ارمنی قدیم Atrapatakan، گرجی قدیم Adarbaygan، عربی Adarbijan، Adarbaygan و...) بر پایه قواعد خاص این زبان‌ها طراحی شده‌اند، و همین گواهی می‌دهد که شکل اصلی واژه، ساختار ایرانی دارد (علی‌اف، ۱۳۷۸: ۶۲ و ۶۳).

۴-۲. زبان

منابع کهن موجود به وجود زبانی غیر از ترکی در آذربایجان اشاره دارند. بنا به نوشته بسیاری، زبان مردم آذربایجان یا «ماد خرد» همانند زبان مردم نواحی غربی و مرکزی ایران بود. ابن‌ندیم در کتاب «الفهرست» از زبان ابن‌مقفع آورده است که زبان ایرانی عبارت است از فهلوی، دری، فارسی، خوزی، سریانی. اما فهلوی منسوب به پهل است و پهل نام پنج شهر است، اصفهان، ری، همدان، ماه نهاوند، آذربایجان» (خویی، ۱۳۸۱: ۱۳۸۱).

۲۸). حمدالله مستوفی هم زبان مردم آذربایجان را پهلوی می‌داند و گونه‌های مختلفی برای آن بیان کرده است. به عنوان مثال زبان مردم مراغه را «پهلوی معرب» گفته است (مستوفی، ۱۳۶۲: ۷۸). هم‌چنین یعقوبی در کتاب البلدان قدیمی‌ترین کتاب جغرافیایی، اصطخری (متوفی در سال ۳۴۶). علی‌آف در یک جمع‌بندی در مورد زبان کهن آذربایجان، عنوان می‌کند که در دوره مؤلفان عرب مردم آذربایجان به زبان آذری صحبت می‌کرده‌اند که بدون شک زبانی ایرانی بوده است زیرا این مؤلفان آن را در برابر دری و پهلوی، گاهی فارسی می‌نامند و از زبان‌های دیگر قفقاز به‌شمار می‌آورند (علی‌آف، ۱۳۷۸: ۵۲). (۳) در کنار این اشاره‌های تاریخی انبوه نام‌های جغرافیایی و واژه‌های موجود در زبان کنونی آذربایجان همه گواهی بر غیر ترکی بودن زبان آذربایجان در گذشته دارد (عبدی، ۱۳۸۹).

۵. یافته‌های تحقیق

۵-۱. یافته‌های کتابخانه‌ای

۵-۱-۱. عوامل همگرایی آذری‌ها در ایران

۱. دین و مذهب

آذربایجان در دوره بعد از ورود اسلام به ایران در جریان گرایش ایرانیان به مذهب تشیع نقش اساسی ایفا کردند. امروزه نیز در آذربایجان تشیع مرزهای زبانی را درنوردیده و عامل اصلی هویت‌ساز در منطقه گشته است، تا جایی که می‌توان گفت، تعلق خاطر آذربایجانی‌ها به ایران بیش از همه در پابندی آنها به مذهب تشیع ریشه دارد (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۱۹۴).

مذهب تشیع به‌عنوان مذهب صددرصد آذری‌ها به‌شمار می‌آید و جدا از این‌که این منطقه پایه‌گذاری رسمیت تشیع به‌عنوان مذهب رسمی کشور در دوران صفویه به‌شمار می‌آید. بلکه از نظر احساس تعلق به آموزه‌ها و آیین‌های مذهبی به جزء مناطق پیشرو کشور به‌شمار می‌آید. به‌طوری‌که می‌توان ادعا کرد که امروزه مذهب در این منطقه امری صرفاً اعتقادی نیست بلکه تمام شعون جامعه آذری کشور در ابعاد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۲. آداب و رسوم

امروزه نگاهی به فرهنگ و آداب و رسوم منطقه آذربایجان نشان می‌دهد که بیشتر آیین‌ها و رسوم این منطقه با فرهنگ و آداب و رسوم ملی همپوشی دارند. این امر را به

ویژه در مراسم مذهبی و اعیاد و جشن‌های ملی مانند محرم، ۲۱ رمضان و هم‌چنین اعیاد غدیر و نیمه‌شعبان و جشن‌های ملی پایان سال مانند پنجشنبه آخر سال، آداب تحویل سال و سیزده‌بدر که همگی در این منطقه به همان شدت سطح ملی اجرا می‌شوند می‌توان به روشنی مشاهده کرد.

۳. تعامل با دیگر بخش‌های کشور

در منطقه آذربایجان به ندرت خانواده‌ای را می‌توان یافت که یکی از بستگان نزدیک آن در تهران یا دیگر نواحی کشور ساکن نباشد. امروزه آذری‌ها با شهر تهران به عنوان کانون سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور ارتباط تنگاتنگ دارند که در اثر رشد بالای جمعیت منطقه تشدید شده است. امروزه این امر به صورت ازدوج، مهاجرت و تعاملات مختلف روز افزونی ادامه دارد (عبدی، ۱۳۸۹).

۴. پیوند تاریخی - سرزمینی

آذربایجان از زمان تشکیل اولین حکومت ایرانی تا حال حاضر جزو جدایی‌ناپذیر کشور ایران بوده است. پیش از آن که آذربایجان به نام آتروپات نامیده شود «ماد خرد» نام داشت و تیره‌های ایرانی ماد در آن ساکن بودند (دیاکونوف، ۱۳۸۰: ۱). اهمیت آذربایجان از این امر پیداست که آتشکده آذرگشنسب، آتش‌گاه سلطنتی، در گنجک (شیز) واقع در آذربایجان قرار داشت (کریستن سن، ۱۳۷۸: ۱۲۰). در دوره پس از اسلام مهم‌ترین نقش‌های تاریخی آذری‌ها در ایران را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود.

۱. واکنش بابک در برابر توهین و تحقیر ایران و ایرانی در زمان حکومت عباسی؛
۲. پایه‌گذاری حکومت صفوی و رسمی‌شدن مذهب تشیع و وحدت ایران در قالب مذهب تشیع؛

۳. جایگاه برجسته آن در انقلاب مشروطه و دفاع از آن در برابر ضدانقلاب؛

۴. نقش برجسته در رویدادهای منجر به پیروزی انقلاب اسلامی و حوادث بعد از آن به‌ویژه جنگ تحمیلی.

۵. مشارکت و حضور در سطوح مختلف مدیریتی

امروزه آذری‌ها در تمام سطوح سیاسی کشور حضور گسترده‌ای دارند. هم‌چنین در عرصه اقتصادی حضور آذری‌ها در تمام نقاط کشور به‌ویژه تهران قابل توجه می‌باشد و آن را به عرصه‌های ورزشی، فرهنگی و اجتماعی نیز می‌توان تسری داد (عبدی، ۱۳۸۹: ۱۴۳). در مجموع می‌توان گفت که احساس تعلق آذری‌ها به ایران احساسی مشترک با

مردمان سایر نقاط کشور است و هیچ‌گاه در وفاداری آذری‌ها به ایران تردیدی مشاهده نشده است (فاوست، ۱۳۷۳: ۱۵).

۵-۲. چالش‌های پیش‌روی همگرایی آذری‌ها در ایران

۱. **نخبگان قوم‌گرا:** نقش نخبگان قومی در شکل دادن به واگرایی قومی در آذربایجان را می‌توان عمدتاً در قالب تئوری «ابداع سنت» اریک هابسباوم، «جامعه‌تصوری» بندیک اندرسون تفسیر نمود؛

۲. **نگاه تقلیل‌گرایانه به هویت ملی ایرانی:** نگاه تقلیل‌گرایانه به هویت ملی طی چند دهه اخیر و کاهش آگاهی به تاریخ و هویت ایران به‌ویژه در منطقه آذربایجان باعث شده که نخبگان قوم‌گرا از این فرصت برای جعل تاریخ و ابداع تاریخ و هویتی ساختگی برای مردم منطقه استفاده نمایند که در آن هیچ ارتباطی میان منطقه آذربایجان با ایران وجود ندارد.

۳. **احساس محرومیت نسبی:** این حس که در منطقه آذربایجان بیشتر حالت القائی دارد از برخی کوتاهی‌ها و اشتباهاتی مانند رواج برخی جوک‌ها، فیلم‌ها و برنامه‌های تلویزیونی نامناسب بهره گرفته و موجب شده است افراد و گروه‌های قوم‌گرا با تمسک به چنین مواردی وجود تبعیض‌های سازماندهی شده را ترویج نمایند. بررسی صورت گرفته در این مورد نشانگر تأثیر این تلاش در راستای برنامه‌های این افراد و جریان‌ها است (عبدی، ۱۳۸۱: ۱۲۸ و ۱۲۹). رویدادهای پس از چاپ مطلب توهین‌آمیز روزنامه ایران در سال ۱۳۸۵ گویای میزان اثرگذاری این حس می‌باشد.

۴. **نقش قدرت‌های خارجی:** طی دو سده گذشته تاریخ تحولات خاورمیانه و به‌ویژه ایران با دخالت قدرت‌های خارجی به‌ویژه روس و انگلیس شکل گرفته است. مهم‌ترین نمود این امر دخالت بیگانگان در به راه انداختن ناآرامی‌های قومی توسط شوروی بعد از جهانی دوم است که اسناد منتشر شده گویای بسیاری از واقعیت‌های آن می‌باشد (بیات، ۱۳۸۴: ۶۴). امروز نیز کشورهای خارجی با فراهم آوردن پایگاه‌های رسانه‌ای، حمایت‌های مادی و سیاسی نقش زیادی در ادامه حیات و قدرت اثرگذاری نخبگان و گروه‌های قوم‌گرا دارند.

۵. **موقعیت ژئوپلیتیکی:** منطقه آذربایجان در شمال غرب کشور با توجه به توانایی‌های محیطی، موقعیت مناسب ژئوپلیتیکی، توسعه نسبی اقتصادی، جمعیت بالا، پیشینه تاریخی و فرهنگی و موارد دیگر وزن ژئوپلیتیکی بالایی در ایران دارد. این شرایط در ترکیب با نحوه استقرار فضایی آن و فعالیت نیروهای الحاق‌گرا در آن سوی

مرز با توجه به علائق ژئوپلیتیک کشور آذربایجان و در برخی موارد ترکیه، شرایط ژئوپلیتیکی خاصی به منطقه آذربایجان بخشیده است.

۶. **توسعه نامتوازن:** یکی از مواردی که از سوی نیروهای قوم‌گرا برای جلب‌نظر توده مردم آذربایجان مورد بهره‌برداری گرفته است توسعه و القای نوعی تبعیض هدفمند در مورد منطقه آذربایجان است. با وجود چنین تبلیغاتی پژوهش صورت گرفته نشان می‌دهد که استان آذربایجان شرقی یکی از استان‌های توسعه‌یافته ایران است و سطح توسعه‌یافتگی آن در میان پنج استان برتر کشور می‌باشد، اگرچه دو استان دیگر منطقه یکی به دلیل موقعیت پیرامونی استان کنونی اردبیل در قبال از جدا شدن از استان آذربایجان شرقی و منطقه جنگی بودن بخش عمده‌ای از شهرهای آذربایجان غربی یکی از عوامل پایین بودن سطح توسعه در این دو استان می‌باشد (مختاری، ۱۳۸۵: ۱۱۹). با وجود چنین شرایطی جریان‌های خاصی سعی در ماهیت قومی دادن به مسائل توسعه در این منطقه هستند که با واقعیت‌های موجود اصلاً سازگار نیست.

۷. **توسعه سیاسی:** با دگرگونی فضای سیاسی کشور از میانه‌های دهه ۷۰ نیروهای قوم‌گرا از آن پیشبرد اهداف خود سوءاستفاده نمودند. در این میان جامعه دانشجویی به عنوان یکی از کانون‌های این گونه فعالیت‌ها و اهداف درآمد و افراد و گروه‌های با سابقه قوم‌گرا به صورت‌های مختلف در صدد جذب این قشر برآمدند. البته با فعال شدن نشریات محلی، برگزاری مراسم مختلف، جلسات سخنرانی، مراسم جشن و مانند آن، علاوه بر دانشجویان دیگر گروه‌های جامعه آذری نیز مورد توجه واقع شدند. محور تلاش‌های مطبوعات و محافل فعال در این دوره را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. تلاش برای جدا کردن تاریخ آذربایجان از تاریخ ایران؛
 ۲. خطاب نمودن مردم آذربایجان به عنوان ملت آذربایجان؛
 ۳. تضعیف و تضعیف زبان فارسی به عنوان یکی از عوامل وحدت بخش در ایران؛
 ۴. برجسته کردن مشکلات اقتصادی مانند بیکاری، فقر، ضعف زیرساخت‌ها و ماهیت قومی دادن به آنها؛
 ۵. تلاش در جا انداختن واژه آذربایجان شمالی و جنوبی و لزوم به هم پیوستن آنها بر اساس جبر تاریخ؛
 ۶. حمله به تاریخ، زبان، شخصیت‌های ملی و اساطیری و تمام زمینه‌های وحدت آفرین در ایران؛
- تقریباً تمام محورهای اشاره شده را در ویژه‌نامه‌ای به عنوان «ترک‌ها و ایران» انتشار

یافته از سوی مرکز تحقیقات مجمع دانشگاهیان آذربایجان (آبتام، ۱۳۸۴: ۲) می‌توان مشاهده کرد.

۸. الحاق‌گرایی پان‌ترکیستی: اساس اندیشه پان‌ترکیسم تأسیس دولتی بر پایه زبان ترکی با محوریت سیاسی کشور ترکیه است. این تفکر در اواخر امپراتوری عثمانی و با تلاش‌های مهاجران پان‌ترک قفقاز همزمان با آغاز اقدامات «ترکان جوان» شروع شد. در این راستا برنامه ترک‌های جوان بر پایه طرح محمد ضیاء معروف به ضیاء گوگ آلپ عضو کمیته مرکزی اتحاد و ترقی اجرا شد. بنابراین به پیشنهاد وی سه مرحله برای پان‌ترکیسم در نظر گرفته شد: ۱- تحکیم اقتدار ترک‌های عثمانی بر قلمرو امپراتوری و ترک گردانی اقلیت ۲- مرحله پان‌ترکی جذب و ادغام نزدیک‌ترین خویشان ترک‌های عثمانی یعنی آذربایجانی‌های ایران و مسلمان‌های قفقاز در چارچوب دولت ترک، ۳- وحدت تمام ملل و اقوام تورانی آسیا در حول محور ترک. از این‌رو برای رسیدن به اهدافشان می‌بایست از سد ایران می‌گذشتند. در این راستا دوره‌ای از تحریکات پان‌ترکی بیشتر به صورت انتشار نوشته‌ها و سخنرانی افرادی مانند روشنی بیگ و نظیف در عثمانی آغاز شد که در آن به نفی هویت تاریخی ایران و به ویژه زیرسؤال بردن هویت ملی ترک زبان‌های ایرانی پرداختند (بیات، ۱۳۸۷: ۱۹).

۲-۵. یافته‌های میدانی

۲-۵-۱. تحلیل متغیرهای مربوط به همگرایی

این بخش شامل ۱۷ متغیر با ۴۷ بند سؤال پرسشنامه‌ای است که در آن هر متغیر با چند گویه و سنجه ارزیابی شده است. در این تحلیل برآیند همه گویه‌های مربوط به هر متغیر برای تأیید یا رد آنها مورد ارزیابی قرار گرفته است.

۱- مذهب: مذهب تشیع براساس ۴ شاخص «تعلقات مذهبی - ماهیت غیریت‌ساز آن میان آذری‌ها با ترک‌ها - مرجعیت شیعه - ارزش‌های فراقومی آن» مورد بررسی قرار گرفت که در مجموع معنی‌داری گویه‌های مربوط به آن عبارت است از: $p\text{-value} = 0.0008$ لذا: ادعای تحقیق تأیید و فرض مخالف رد می‌شود.

۲- تاریخ و سرزمین: این متغیر با ۵ گویه «تعلق تاریخی - جغرافیایی آذربایجان به ایران - اسطوره‌ها و افسانه‌های مشترک - منابع غنی ایران (منابع نفت و گاز، معادن و...) - زیبایی‌های طبیعی ایران (جنگل‌ها، کوه‌ها، دریاها، رودها، کویرها و...)» بررسی شد؛ مجموع معنی‌داری گویه‌های مربوط به آن عبارت است از: $p\text{-value} = 0.0001$ لذا: ادعای تحقیق تأیید و فرض مخالف رد می‌شود.

۳- **تبار مشترک:** این متغیر با ۳ گویه «تعلق به نژاد آریایی - غیرترکی بودن زبان مردم منطقه تا دوره صفویه - سلسله‌ها و پادشاهان غیرترک در آذربایجان پیش از استقرار ترک‌ها» بررسی شد که مجموع معنی‌داری گویه‌های مربوط به آن عبارت است از: $p\text{-value} = 0.000$ که به معنی تأیید ۱۰۰ درصد پاسخگویان در این رابطه است لذا: ادعای تحقیق تأیید و فرض مخالف رد می‌شود.

۴- **آرمان مشترک:** این متغیر با ۱ گویه چند وجهی یعنی «آرمان‌های ملی مانند دفاع از میراث فرهنگی و تاریخی ایران در عرصه جهانی، دستیابی به سطوح عالی پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیکی مانند انرژی هسته‌ای و دانش سلول‌های بنیادی و ...» بررسی شد؛ مجموع معنی‌داری گویه‌های مربوطه عبارت است از: $p\text{-value} = 0.000$ که به معنی تأیید ۱۰۰ درصدی آن است، لذا: ادعای تحقیق تأیید و فرض مخالف رد می‌شود.

۵- **زبان فارسی:** این متغیر با ۵ گویه «جایگاه تاریخی زبان فارسی در زندگی مردم - شاعران پارسی‌گوی آذری تراز اول مانند نظامی، خاقانی، صائب تبریزی، شهریار و... - ترویج زبان فارسی - شعرا و ادبای تراز اول فارسی مانند حافظ، سعدی، مولوی، فردوسی و... - تولید موسیقی، فیلم و انیمیشن به زبان فارسی» بررسی شد که مجموع معنی‌داری گویه‌های مربوطه عبارت است از: $p\text{-value} = 0.006$ بنابراین ادعای تحقیق تأیید و فرض مخالف رد می‌شود.

۶- **آیین‌ها و آداب و رسوم:** این متغیر با ۲ گویه مانند «آرمان‌های ملی مانند دفاع از میراث فرهنگی و تاریخی ایران در عرصه جهانی، دستیابی به سطوح عالی پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیکی مانند انرژی هسته‌ای و دانش سلول‌های بنیادی» بررسی شد، مجموع معنی‌داری گویه‌های مربوطه عبارت است از: $p\text{-value} = 0.004$ لذا می‌توان گفت: ادعای تحقیق تأیید و فرض مخالف رد می‌شود.

۷- **قهرمانان و شخصیت‌ها:** این متغیر با ۴ گویه مانند «دوره باستان، دوره اسلامی، دوره معاصر و انقلاب اسلامی» بررسی شد، مجموع معنی‌داری گویه‌های مربوطه عبارت است از: $p\text{-value} = 0.006$ بنابراین می‌توان گفت: ادعای تحقیق تأیید و فرض مخالف رد می‌شود.

۸- **تعاملات اجتماعی و فرهنگی:** این متغیر با ۶ گویه مانند «امر تقلید و مرجعیت - افتخارآفرینی تیم‌های ورزشی در سطوح ملی و بین‌المللی - گسترش رفت و آمد آذری‌ها به دیگر مناطق کشور - ازدواج‌های بین قومی آذری‌ها - مهاجرت به دیگر مناطق کشور - حضور آذری‌ها در رقابت‌های ملی مانند جشنواره‌های علمی و فرهنگی» بررسی شد،

مجموع معنی‌داری گویه‌های مربوطه عبارت است از: $p\text{-value} = 0.001$ بنابراین می‌توان گفت: ادعای تحقیق تأیید و فرض مخالف رد می‌شود.

۹- تعاملات سیاسی: این متغیر با ۳ گویه مانند «حضور گسترده آذری‌ها در سطوح مختلف مدیریتی کشور، مشارکت در رویدادهای سیاسی مانند انتخابات، راهپیمایی‌ها و حضور در احزاب و ارگان‌های سیاسی سراسری» بررسی شد، مجموع معنی‌داری گویه‌های مربوطه عبارت است از: $p\text{-value} = 0.005$ بنابراین می‌توان گفت: ادعای تحقیق تأیید و فرض مخالف رد می‌شود.

۱۰- تعاملات اقتصادی: این متغیر با ۲ گویه مانند «توسعه اقتصادی، بالا رفتن سطح رفاه مردم منطقه آذربایجان نسبت به دیگر مناطق ایران - تعاملات و مبادلات اقتصادی در بازار کار، بازار فروش، تأمین مواد خام، سرمایه‌گذاری» بررسی شد مجموع معنی‌داری گویه‌های مربوطه عبارت است از: $p\text{-value} = 0.003$ بنابراین می‌توان گفت: ادعای تحقیق تأیید و فرض مخالف رد می‌شود.

۱۱- نمادها و نشانه‌های ملی: این متغیر با ۲ گویه مانند «آثار فرهنگی و تمدنی مانند تخت جمشید، اماکن مذهبی مانند حرم امام رضا(ع)، حرم حضرت معصومه(س)» بررسی شد، مجموع معنی‌داری گویه‌های مربوطه عبارت است از: $p\text{-value} = 0.011$ بنابراین می‌توان گفت: ادعای تحقیق تأیید و فرض مخالف رد می‌شود.

۱۲- عامل همسایگی: این متغیر با ۲ گویه مانند «قرابت فرهنگی با دیگر ایرانیان - مراوده با همسایگان غیر آذری» بررسی شد، مجموع معنی‌داری گویه‌های مربوطه عبارت است از: $p\text{-value} = 0.024$ بنابراین می‌توان گفت: ادعای تحقیق تأیید و فرض مخالف رد می‌شود.

۱۳- آموزش رسمی: این متغیر با ۶ گویه مانند «تبادل دانشجو - گسترش زبان فارسی - انتقال ارزش‌ها و هویت ملی - کمرنگ نمودن ارزش‌های قومی - انتقال ارزش‌های مذهبی - تولید نخبگان و افراد ایران‌گرا» بررسی شد، مجموع معنی‌داری گویه‌های مربوطه عبارت است از: $p\text{-value} = 0.007$ بنابراین می‌توان گفت: ادعای تحقیق تأیید و فرض مخالف رد می‌شود.

۱۴- رسانه‌های ملی: این متغیر با ۴ گویه مانند «ترویج زبان فارسی - انتقال ارزش‌ها و هویت شیعی - روشنگری و پاسخ‌گویی به تبلیغات قوم‌گراها - تهییج احساسات و غرور ملی» بررسی شد، مجموع معنی‌داری گویه‌های مربوطه عبارت است از: $p\text{-value} = 0.005$ بنابراین می‌توان گفت: ادعای تحقیق تأیید و فرض مخالف رد می‌شود.

۱۵- حفظ شأن و حرمت قومی: این متغیر با ۵ گویه مانند «به‌کارگیری زبان آذری در صداوسیما، به‌کارگیری زبان آذری در حوزه نشر (محلی) - برخورد احترام‌آمیز مسئولان و فرهیختگان کشور با زبان آذری - تکریم اهل فرهنگ و نخبگان آذری در سطوح مختلف منطقه‌ای و ملی - وجود آزادی در به‌کارگیری زبان آذری در حوزه موسیقی» بررسی شد، مجموع معنی‌داری گویه‌های مربوطه عبارت است از: $p\text{-value} = 0.008$ بنابراین می‌توان گفت: ادعای تحقیق تأیید و فرض مخالف رد می‌شود.

۱۶- حفظ حقوق شهروندی فردی: این متغیر با گویه‌های «عدم اعمال تبعیض در دستیابی به فرصت‌ها - عدم محدود نمودن آزادی‌های فردی» بررسی شد، مجموع معنی‌داری گویه‌های مربوطه عبارت است از $p\text{-value} = 0.001$ بنابراین می‌توان گفت: ادعای تحقیق تأیید و فرض مخالف رد می‌شود. این نشان می‌دهد که با تقویت چنین عواملی در چارچوب قوانین کشور می‌توان به افزایش همگرایی در کشور کمک کرد.

۶-۲-۲. ارزیابی متغیرهای مربوط به چالش‌های پیش‌روی همگرایی در آذربایجان
در این قسمت آن بخش از متغیرهایی که براساس چارچوب نظری تحقیق، متغیرها و گویه‌های مؤثر در واگرایی آذری‌ها در ایران به شمار می‌آیند مورد بررسی قرار گرفته‌اند. این بخش شامل ۱۷ متغیر با ۴۷ پرسش است که در آن هر متغیر با چند گویه و سنجه ارزیابی شده است. ماحصل تحلیل آماری متغیرهای مورد نظر به شرح زیر است:

۱. کشورهای خارجی: این متغیر در قالب گویه‌های «فعالیت‌های هدفمند رسانه‌ای (تلویزیونی، ماهواره‌ای، اینترنتی و...) - حمایت‌های مالی و سیاسی» مورد بررسی قرار گرفت، مجموع معنی‌داری گویه‌های مربوطه عبارت است از $p\text{-value} = 0.000$ بنابراین می‌توان گفت: ادعای تحقیق تأیید و فرض مخالف رد می‌شود. تجربیات تاریخی دو سده اخیر کشور نیز گویای آن است که واگرایی در ایران به‌ویژه طی سده اخیر با فعالیت کشورهای خارجی در ارتباط است.

۲. استفاده ابزاری نخبگان: این متغیر در قالب گویه‌هایی مانند «استفاده ابزاری از شعر، کانون‌های فرهنگی، کانون‌های گردشگری، کانون‌های ورزشی و... - دامن زدن به مسائل قومی در رقابت‌های انتخاباتی - ترویج آرمان‌ها و اهداف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی متمایز» مورد بررسی قرار گرفت که مجموع معنی‌داری این گویه‌ها عبارت است از $p\text{-value} = 0.000$ بنابراین می‌توان گفت: ادعای تحقیق تأیید و فرض مخالف رد می‌شود. در واقع قوم‌گرایی در منطقه آذربایجان بیشتر با تکیه بر فعالیت نخبگان قوم‌گرا شکل گرفته و بسیاری از «مطالبات قومی» مطرح شده، طرح و القای آنان بوده است.

۳. **تاریخ‌سازی و نمادپردازی قومی:** این متغیر در قالب گویه‌ها «اسطوره‌سازی و قهرمان‌پردازی مانند گرگ خاکستری، دده قورقود و کوراغلی، چنگیزخان، تیمور و ... - ترویج افکاری مرتبط با تعلق تباری آذری‌ها به ترکان اغوز - تلاش برای ترویج آداب و رسوم، آیین‌ها، پوشاک متمایز از دیگر مناطق ایران - جعل تاریخ مبتنی بر سرنوشت تاریخی جداگانه منطقه آذربایجان از ایران» مورد بررسی قرار گرفت که مجموع معنی‌داری گویه‌های مربوطه عبارت است از $p\text{-value} = 0.000$ بنابراین می‌توان گفت: ادعای تحقیق تأیید و فرض مخالف رد می‌شود.

مسائل مرتبط با فعالیت نخبگان قوم‌گرا در سال‌های اخیر در حد گسترده‌ای مطرح شده‌اند. در واقع ما در این مدت شاهد نمادها، شعارها و باورهایی هستیم که ناگهان در عرصه عمومی جامعه آذری ظاهر شده‌اند که هیچ ارتباط تاریخی با آنها ندارند.

۴. **کاهش سطح احساس تعلق به هویت ملی:** این متغیر در قالب گویه‌های «کاهش سطح آگاهی و احساس تعلق به هویت ملی در مقیاس ملی - وجود نخبگان قومی با گفتمان ضد ملی - وجود نگاه تقلیل‌گرایانه به هویت ملی در سیستم مدیریت سیاسی کشور» مورد بررسی قرار گرفت، مجموع معنی‌داری گویه‌های مربوطه عبارت است از $p\text{-value} = 0.000$ بنابراین می‌توان گفت: ادعای تحقیق تأیید و فرض مخالف رد می‌شود. یکی از مهم‌ترین مسائلی که طی چند دهه اخیر در کشور بروز کرده است نگاه تقلیل‌گرایانه به هویت ملی از سوی برخی از مدیران است که گاهی زمینه سوءاستفاده افراد و گروه‌های قوم‌گرا از جمله در آذربایجان را فراهم آورده است. از آن جمله می‌توان به کم‌توجهی و گاهی نگاه منفی به تاریخ، آیین‌ها، رویدادها و شخصیت‌های ایرانی اشاره نمود.

۵. **رشد شهرنشینی:** این متغیر در قالب گویه‌های «افزایش جمعیت شهری - گسترش پدیده حاشیه‌نشینی» مورد بررسی قرار گرفت، مجموع معنی‌داری گویه‌های مربوطه عبارت است از $p\text{-value} = 0.003$ بنابراین می‌توان گفت: ادعای تحقیق تأیید و فرض مخالف رد می‌شود. این امری گویای آن است که در رابطه با روند شهرنشینی شتابان در منطقه آذربایجان باید از روند نامتعارف مهاجرت که می‌تواند منجر به شکل‌گیری حاشیه‌نشینی و در مرحله بعد فراهم آمدن زمینه‌ای برای دامن زدن به احساس محرومیت نسبی از سوی نخبگان قوم‌گرا شود جلوگیری کرد.

۶. **موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی:** این متغیر در قالب گویه‌های «هم مرز بودن

آذربایجان با جمهوری آذربایجان و ترکیه - رقابت‌های ناحیه‌ای گُرد و آذری در آذربایجان غربی - افزایش تعامل آذری‌ها با دو کشور ترکیه و جمهوری آذربایجان - ترویج موسیقی، فیلم، عکس، نمادها و... متعلق به زبان و فرهنگ ترکی در میان مردم - ابداع و تبلیغ ایده آذربایجان شمالی و جنوبی» مورد بررسی قرار گرفت، مجموع معنی‌داری گویه‌های مربوطه عبارت است از $p\text{-value} = 0.001$ بنابراین می‌توان گفت: ادعای تحقیق تأیید و فرض مخالف رد می‌شود.

در واقع موقعیت ژئوپلیتیکی می‌تواند عاملی برای تقویت جریان‌های واگرا در این منطقه است.

۷. نابرابری اقتصادی: این متغیر در قالب گویه‌هایی مانند «عقب ماندن برخی

استان‌های آذری‌نشین از روند توسعه نسبت به مناطق برخوردار - عقب ماندن شهر تبریز از کورس رشد اقتصادی شهرهایی مانند اصفهان، تهران، شیراز و...» مورد بررسی قرار گرفت مجموع معنی‌داری گویه‌های مربوطه عبارت است از $p\text{-value} = 0.022$ بنابراین می‌توان گفت: ادعای تحقیق تأیید و فرض مخالف رد می‌شود.

از این امر بیشتر برای تقویت احساس محرومیت در منطقه آذربایجان استفاده می‌شود و در حالت عادی استان آذربایجان شرقی از نظر توسعه سهم بالایی را در کشور به خود اختصاص داده است. نکته دیگر در این مورد آن است که نخبگان و گروه‌های قوم‌گرا سعی می‌کنند با تفاسیری قوم‌گرایانه از مسائل اقتصادی مانند بیکاری، تورم، فقر و موارد دیگر به جلب نظر مردمی پردازند که دچار مشکلات اقتصادی هستند.

۸. احساس محرومیت نسبی و تبعیض: نخبگان قوم‌گرا برای جلب نظر مردم و

اشاعه افکار واگرایانه در میان آنها سعی در دامن زدن به برخی ادعاهای تحریک کننده دارند که معمولاً هم‌عاری از واقعیت هستند. برای نمونه متغیرهایی مانند «شایعه‌پردازی مبنی بر حمایت ایران از ارمنستان در جنگ با جمهوری آذربایجان - افزایش تحصیلات عالی و بالا رفتن توقعات و انتظارات - برخی آزادی‌های اجتماعی در دو کشور همسایه» مورد بررسی قرار گرفت که مجموع معنی‌داری گویه‌های مربوطه عبارت است از $p\text{-value} = 0.000$ بنابراین می‌توان گفت: ادعای تحقیق تأیید و فرض مخالف رد می‌شود.

احساس محرومیت نسبی از شگردهای مهمی است که نخبگان قوم‌گرا از آن برای پیشبرد اهداف خود سود می‌برند و بخشی از نیروهای هوادار را به این وسیله جذب می‌کنند.

۹. جهانی شدن: این متغیر در قالب گویه‌های «گسترش شبکه‌های ماهواره‌ای قوم

محور - گسترش سایت‌ها، وبلاگ‌ها و ایمیل‌های قوم‌گرایانه - گسترش اطلاع‌رسانی بوسیله

ابزارهایی مانند تلفن همراه - گسترش کتاب‌ها و مجلات الکترونیکی قوم‌گرایانه» مورد بررسی قرار گرفت، مجموع معنی‌داری گویه‌های مربوطه عبارت است از $p\text{-value} = 0.000$ بنابراین می‌توان گفت: ادعای تحقیق تأیید و فرض مخالف رد می‌شود.

جهانی شدن ارتباطات و پیدایش ابزارهایی مانند ماهواره، اینترنت تلفن همراه و موارد دیگر امکان برقراری ارتباط میان نخبگان قوم‌گرا در آذربایجان را فراهم آورده است.

۱۰. تحولات فکری و سیاسی در سطح جهانی: این متغیر در قالب گویه‌های

«حمایت نهادهای بین‌المللی - گسترش ایده‌ها و رویکردهای تکثرگرایانه در دنیا - شکل‌گیری و تشدید جنبش‌های قوم‌گرا در سطح دنیا» مورد بررسی قرار گرفت که مجموع معنی‌داری گویه‌های مربوطه عبارت است از $p\text{-value} = 0.003$ بنابراین می‌توان گفت: ادعای تحقیق تأیید و فرض مخالف رد می‌شود.

طی سال‌های اخیر طرح دیدگاه‌ها و شکل‌گیری برخی نهادها در سطح جهانی منجر به آن شده است که نیروها و افراد قوم‌گرا از این ظرفیت‌ها برای پیش برد اهداف خود سود جویند. این امر در منطقه آذربایجان نیز تا حدی صادق است.

۱۱. ضعف مدیریتی: این متغیر در قالب گویه‌های «کم‌اطلاعی مسئولان نسبت به

افکار، روش‌ها، ابزارها و... - نفوذ قوم‌گراها در سطوح مختلف تصمیم‌گیری و مدیریتی کشور - ضعف کارایی رسانه ملی در جذب مخاطبان آذری و ترویج هویت ملی - اجرای طرح‌های بومی‌سازی (دانشجو، سربازگیری و اشتغال و...) - کاهش منزلت و جایگاه ملی در عرصه جهانی - کم‌توجهی به عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی هویت ملی - شکل‌گیری احزاب و تشکل‌های قوم‌گرای آذری» مورد بررسی قرار گرفت که مجموع معنی‌داری گویه‌های مربوطه عبارت است از $p\text{-value} = 0.006$ بنابراین می‌توان گفت: ادعای تحقیق تأیید و فرض مخالف رد می‌شود.

از جمله مهم‌ترین مواردی که منجر به برجسته شدن مسائل قومی در کشور می‌شود برخی ناکارآمدی‌ها در میان مدیران در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است.

نتیجه‌گیری

در منطقه آذربایجان بحث همگرایی و واگرایی در آن بیشتر بر مبنای یک تحلیل ژئوپلیتیکی قابل بررسی و مطالعه است. این منطقه با توجه به پیوندهای تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خود با دیگر مناطق کشور همواره از همگرایی بالایی

برخوردار بوده است. همین دلیل آذربایجان و آذری‌های در تحولات کشور نقش مؤثری داشته‌اند. این امر جدا از این که به لحاظ خود آذربایجان اهمیت دارد به عنوان عامل همگرایی دیگر مناطق کشور نیز می‌تواند مؤثر باشد، زیرا این منطقه براساس شواهد تاریخی و نظر به مشخصه‌هایی مانند ویژگی‌های جغرافیایی، وزن ژئوپلیتیکی، ویژگی‌های انسانی و موارد دیگر از توانمندی اشاعه رویدادها به دیگر مناطق کشور را دارد. از جمله مهم‌ترین این رویدادها می‌توان به گسترش تشیع در دوران صفوی و انقلاب مشروطه اشاره نمود. بنابراین غلبه و چیرگی نیروهای همگرا در منطقه آذربایجان برای همبستگی ملی در ایران حائز اهمیت فراوان است.

در کنار نیروهای همگرا، این منطقه با توجه به موقعیت خاص خود در برخی مقاطع تحت تأثیر شرایط داخلی و خارجی به فعال شدن نیروهای واگرا نیز میدان داده است. به عبارت دیگر واگرایی قومی در آذربایجان گرچه امری سطحی و نخبه محور بوده، به دلیل موقعیت و شرایط خاص جغرافیایی منطقه در یک سده اخیر به حیات خود ادامه داده است.

به‌طور کلی می‌توان گفت واگرایی در آذربایجان امری عارضی و ساختگی است و نیروهای همگرا دیرینگی و عمق برخوردار هستند. با توجه به مجموعه تلاش‌های هدفمندی که در سال‌های اخیر در آذربایجان دیده می‌شود به نظر می‌رسد برخی در پی ایجاد چالش در این منطقه هستند که جای تأمل و توجه دارد. بنابراین مسئله این است که چگونه و بر پایه چه نوع تدابیری باید شرایط را به سمت تقلیل و حذف نیروهای واگرا پیش برد. این موضوع با توجه به اهمیت بالای آذربایجان در تحولات کشور ضرورت دارد.

یادداشت‌ها

- ۱- ملاک انتخاب این افراد زمینه تخصصی آنها در رابطه با منطقه آذربایجان بوده است و از نظر تخصصی رشته‌های مختلف دانشگاهی مانند علوم سیاسی، جغرافیای سیاسی، جامعه‌شناسی، تاریخ و... را شامل می‌شدند.
- ۲- این امر نشان دهنده آن است که هویت محلی در میان آذری‌ها در واقع متأثر و برگرفته از هویت ملی است و اساساً این دو هویت در طول هم هستند نه در عرض یکدیگر.
- ۳- در سلسله‌النسب حدود ۲۲ بیت شعر به زبان محلی موجود است که به شیخ صفی نسبت داده شده است از جمله:

<p>بسدل در ده ژرم تن بی دوایم از به نیستی چو یاران خاک پایم رنده پاشان برم چون خاک جون کرد ره باویان بهمراهی شوم برد</p>	<p>صفیم صافیم کنجان نمایم کس بهستی نبرده ره باویان تبه در ده ژران از بو جینم درد مرگ ژیرم بمیان دردمندان بور</p>
--	--

(زاهدی، ۱۳۴۳: ۲۹)

منابع

- آبتام (۱۳۸۴)؛ *ترک‌ها و ایران*، تهران: مرکز تحقیقات دانشگاهیان آذربایجان.
- احمدی، حمید (۱۳۷۹)؛ *قومیت و قوم‌گرایی در ایران*، تهران: نی.
- اسمیت، آنتونی. دی (۱۳۸۳)؛ *ناسیونالیسم*، ترجمه منصور انصاری، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- اوزکریملی، اموت (۱۳۸۳)؛ *نظریه‌های قومیت*، ترجمه محمدعلی قاسمی، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- تری. جردن و لستر راونتزی (۱۳۸۰)؛ *مقدمه‌ای بر جغرافیای فرهنگی*، مترجمان سیمین تولایی، محمد سلیمانی، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- حافظنیا، محمدرضا (۱۳۸۵)؛ *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*، مشهد: پژوهشکده امیر.
- خلف تبریزی، محمد حسین بن (۱۳۶۱)؛ *برهان قاطع*، به اهتمام محمد معین، تهران: امیرکبیر.
- دلاکامپانی، کریستیان (۱۳۸۲)؛ *فلسفه سیاست در جهان معاصر*، ترجمه بزرگ نادرزاد، تهران: هرمس.
- دیاکونوف، ایگور (۱۳۸۰)؛ *تاریخ ماد*، ترجمه کریم کشاورز، تهران: علمی فرهنگی.
- رابرت بی، تلیس (۱۳۸۵)؛ *فلسفه راولز*، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: طرح نو.
- راولز، جان (۱۳۸۵)؛ *عدالت به مثابه انصاف*، ترجمه عرفان ثابتی، تهران: ققنوس.
- رضا، عنایت‌الله (۱۳۸۱)؛ «چگونه نام آذربایجان بر اران نهاده شد؟» برگرفته از مجله *اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، س ۱۷، ش ۱ و ۲، صص ۸۰-۸۶.
- ریاحی خویی، محمدامین (۱۳۸۱)؛ ملاحظاتی درباره زبان کهن آذربایجان، برگرفته از مجله *اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، س ۱۷، ش ۱ و ۲، صص ۲۸-۳۵.
- زهتابی، محمدتقی (۱۳۸۴)؛ *تاریخ دیرین ترکان ایران*، ترجمه علی احمدیان سرای، تبریز: اختر.

- عبدی، عطاءالله (۱۳۸۱): *بررسی نسبت بین احساس محلی‌گرایی و ملی‌گرایی نمونه‌موردی: تبریز*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیای سیاسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- (۱۳۸۹): *بررسی سیاست قومی در کشورهای چند قومی و ارائه الگوی بهینه، مطالعه موردی ایران (آذربایجان و کردستان)*، رساله دکتری، رشته جغرافیای سیاسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- علی‌اف (۱۳۷۸): *تاریخ آذربایجان*، ترجمه شادمان یوسف، تهران: بلخ (وابسته به بنیاد نیشابور).
- فالكس، کیث (۱۳۸۱): *شهروندی*، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: کویر.
- فاوست، لوئیس (۱۳۷۳): *ایران و جنگ سرد*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی.
- کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۹): *اقتصاد سیاسی ایران*، مترجمان محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: مرکز.
- کالینز، جان ام (۱۳۸۳): *استراتژی بزرگ*، ترجمه کوروش بایندر، تهران: دفتر مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه.
- کریستنسن، آرتور (۱۳۷۸): *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه حسن رضایی باغ‌بیدی، تهران: صدای معاصر.
- کوزر، لوئیس آلفرد، برنارد روزنبرگ (۱۳۷۸): *نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی*، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نی.
- مجته‌زاده، پیروز (۱۳۷۹): *ایده‌های ژئوپلیتیک و واقعیت‌های ایرانی*، تهران: نی.
- مرشدی‌زاد، علی (۱۳۸۰): *روشنفکران آذری و هویت ملی و قومی*، تهران: مرکز.
- مستوفی، حمدالله (۱۳۶۲): *نزهه‌القلوب*، تصحیح گای لسترنج، تهران: دنیای کتاب.
- مقصودی، مجتبی (۱۳۸۰): *تحولات قومی در ایران*، تهران: مطالعات ملی.
- مهرمند، احد؛ اشرفی، حسین؛ عزیزی‌نژاد، بهاره و علی ماندگار (۱۳۸۹): «بررسی جامعه‌شناختی میزان رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان آذری زبان شهر ارومیه»، برگرفته از مجله *مطالعات امنیست اجتماعی*، ش ۲۱، صص ۸۹-۱۲۰.
- مویر، ریچارد (۱۳۷۹): *درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی*، ترجمه دره میرحیدر، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- هاچینسون، جان و آنتونی اسمیت (۱۳۸۶): *ملی‌گرایی*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- هاگت، پیتر (۱۳۷۶): *جغرافیای ترکیبی نو*، جلد اول، ترجمه شاپور گودرزی، تهران: سمت.
- والزر، مایکل (۱۳۸۳): *در باب مدارا*، ترجمه صالح نجفی، تهران: شیرازه.
- Black sell, Mark (2006); *Political Geography*, London, Rutledge.
- Esman, Milton J (2004); *An introduction to ethnic conflict*, London Cambrige.
- Glassner, Martin Lara and Chuck Faber and John Wiley and Sons (2004); *Political Geography*, US.
- Kymilicka. W (1995); *Multicultural citizenship*; London; Oxford University press.